

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی
 سال ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۲، شماره ۲۹
 مقاله علمی پژوهشی
 صفحات: ۲۵۰-۲۲۱

جایگاه مباحث حدیثی در نظریات علوم قرآنی از دیدگاه آیت‌الله معرفت^{رحمته‌الله}*

حسین ستار**
 محسن قاسم‌پور***
 الهام جمشیدی****

چکیده

سنت و حدیث که از قدیمی‌ترین و کاربردی‌ترین منبع در علوم قرآنی به شمار می‌آید، در آثار محمدهادی معرفت (۱۳۰۹-۱۳۸۵ش) دایره‌کاربرد گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. از یک سو، شاهد آن هستیم که مآثورات از همان دوران نخست در زمینه کشف مفاهیم علوم قرآنی بسیار سودمند هستند؛ و از سوی دیگر این منبع کمابیش مورد غفلت دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته است که با توجه به کثرت دانشمندان اهل سنت در این عرصه تا حدودی قابل توجه است. مرحوم معرفت در نظریات علوم قرآنی خود عملاً به بازیابی و کاربرد جدی روایات روی آورده و آن‌ها را بر محوریت قرآن استوار ساخته است؛ ایشان با واکاوی مفاهیم علوم قرآنی در روایات مقبول اهل بیت^{علیهم‌السلام} و صحابه به ابداع نظریات، تمایز بخشی و تبیین این مفاهیم پرداخته است. ایشان تمام مسائل قرآنی را از قرآن آغاز و به حدیث ختم می‌کند و بالعکس؛ این رویکرد حدیثی می‌تواند فصل الخطابی در مسئله جایگاه سنت و حدیث از منظر وی باشد. نوشتار حاضر برای تبیین این مسئله، نمونه نظریه‌های بطن، نسخ تدریجی، نزول قرآن در شب قدر و وحی در زمان بعثت، جاودانگی و عدم تحریف قرآن و... با استناد به روایات جری و تطبیق، روایات نسخ، روایات آغاز نزول، روایات عرضه به قرآن و... مطرح شده است تا نشان دهد رجوع این محقق قرآنی به مآثورات، بسیار راه گشا بوده و قابل استخراج است.

کلیدواژه‌ها: حدیث، آیت‌الله معرفت، مصدر تفسیری، علوم قرآنی.

* این مقاله با حمایت مؤسسه التمهید منتشر شده است.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول) / sattar@kashanu.ac.ir

*** استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران / m_ghasempour@atu.ac.ir

**** دانشجوی دکتری، گروه، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / e.jamshidi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۸

۱. مقدمه

علوم قرآنی اصطلاحی است که در بستر تحولات علمی و رشد و تعالی انواع دانش‌های اسلامی، طی سده اول تا سده کنونی پدید آمده و به مجموعه مسائل و گزاره‌هایی اطلاق می‌شود که برای شناخت هرچه بهتر قرآن و به هدف کمک به فهم و تفسیر صحیح از این کتاب به کار می‌آیند. شواهد تاریخی فراوان نشان می‌دهد که علوم قرآنی به‌سان همه یا عموم دانش‌های اسلامی همچون تاریخ، سیره، کلام، فقه، نخست در دامن علم حدیث شکل گرفت؛ به این معنا تمام گزاره‌های مربوط به تاریخ قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، در گفتارهای تفسیری پیامبر ﷺ و صحابه در قالب روایات و با برخورداری از سلسله اسناد انعکاس یافت. بنابراین نخستین بستر انعکاس آموزه‌های علوم قرآن را باید در روایات جست؛ به‌طور مثال آنچه از رسول اکرم ﷺ درباره چگونگی نزول قرآن، نزول وحی مستقیم یا وحی از رهگذر فرشته وحی، نام‌گذاری کتاب آسمانی و سوره‌ها یا احیاناً آیه‌های آن، مبحث قرائت و چگونگی تلاوت قرآن و... نقل شد، دست‌مایه‌های اولیه شکل‌گیری گزاره‌های مربوط به علوم قرآنی را فراهم ساخت. بنابراین خاستگاه اولیه علوم قرآنی حدیث بوده و به‌رغم جدا شدن و استقلال علوم قرآن از حدیث، همچنان بهترین منبع و آب‌سخور برای دستیابی به گزاره‌های علوم قرآنی جوامع حدیثی است؛ برای نمونه، ثقة الاسلام کلینی افزون بر انعکاس روایات فراوانی در زمینه علوم قرآنی در باب‌های پراکنده کافی، کتابی خاص با عنوان کتاب فضل القرآن را به این امر اختصاص داده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۵۹۵ به بعد). باید توجه داشت که بسیاری از روایات تفسیری، صریح یا به اشاره به مباحث علوم قرآن به‌ویژه منطوق فهم و تفسیر قرآن ناظر است که از جمله مباحث مهم این دانش به شمار می‌رود. متأسفانه آنچه تاکنون در خصوص روایات ناظر به قرآن انجام یافته، به روایات تفسیری منحصر بوده و سایر روایات در زمینه علوم قرآنی همچون وحی، نزول، تاریخ قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و... یکجا به‌صورت جامع و روشمند گردآوری نشده‌اند؛ درحالی که این کار برای گره‌گشایی از بسیاری از ابهام‌های موجود، ضروری به نظر می‌رسد. حال این

سؤال مطرح می‌شود که مرحوم معرفت به‌عنوان عالم برجسته علوم قرآنی، در نظرات خود چقدر به روایات توجه نموده است؟ این روایات در شکل‌گیری نظرات ایشان چه جایگاهی دارند؟ مرحوم معرفت در ساحت مطالعات قرآنی، در راستای نگاهی جدید و کاربردی به حدیث و نقادی مآثورات برآمد. وی نشان داد ارتباط نزدیک حدیث و علوم قرآن، نیازمند پی‌ریزی است تا به مسائل جدید علوم قرآنی بینجامد. از این‌رو نحوه موضع‌گیری این محقق قرآنی درباره مصدر روایات که پیوند چشمگیری با استدلال‌های علوم قرآنی وی دارد، می‌تواند موضوع پژوهشی مهمی را شکل دهد. تاکنون در مورد حجیت روایات تفسیری آیت‌الله معرفت^{علیه السلام} تحقیقات زیادی انجام شده، اما از نقش روایات در نظریات علوم قرآنی ایشان به‌طور خاص سخن نگفته‌اند.

۲. زمینه شکل‌گیری رویکرد حدیثی در مطالعات قرآنی آیت‌الله معرفت^{علیه السلام}

توجه به حدیث در رویکرد و جهت‌گیری معاصران از جمله مرحوم معرفت به‌عنوان یک قرآن‌پژوه و حدیث‌شناس از جهات ذیل، حائز اهمیت شد.

۱. شعار بازگشت به قرآن: مرحوم معرفت در دوره‌ای قرار گرفت که شعار بازگشت به قرآن در مصر و ایران مطرح شد؛ این موضوع در فضایی ترسیم شد که از همه‌چیز ناامید شده، چاره‌ای جز بازگشت به قرآن نمی‌دیدند. از ملزومات بازگشت به قرآن مراجعه به حدیث است؛ چراکه حدیث مفسر قرآن است و از عصر نزول با قرآن پیوند خورده است. این شعار هرچند نشئت گرفته از یک اندیشه سیاسی و اصلاحی در بین مسلمان متجدد در سده اخیر است (کردکریمی و همکاران، ۱۳۹۹ش: ۱-۱۴)، نقشی اساسی در رویکرد به جایگاه قرآن در بین مسلمانان دارد. آغازگر تفسیر اجتماعی در سده اخیر را ناشی از همین شعار اصلاحی دانسته‌اند (خوش‌منش، ۱۳۸۶ش: ۱۲۹-۱۵۶). اندیشه تفسیر اجتماعی که بیشتر به سید جمال‌الدین اسدآبادی و بعدها شاگردش عبده شناخته شده، مورد توجه و اقبال مصلحان متعددی در اهل سنت و تشیع گردیده است. اسدآبادی بر این باور بود که «مسلمین با استفاده از تعالیم زنده و جان‌دار قرآن، به مقام و موقعیت اولیه خویش دست خواهند یافت و با استفاده از زمان، همه آنچه را که از دست

داده اند، دوباره به دست خواهند آورد و در فنون رزم و مقابله با دشمن و دفاع از حقوق خویش بر دیگران سبقت خواهند گرفت تا موجودیت و استقلال خویش را بهتر حفظ کنند، ذلت و سرافکنندگی را از خود، فنا و نابودی را از ملتشان دور سازند؛ چون همه کارها برگشتشان به خداوند توانا و یکتاست...» (اسدآبادی و همکاران، ۱۴۱۷ق: ۱۱۰ و ۱۱۱).

۲. برخورد های انتقادی با حدیث: دوران معاصر، عصر شبهات و تشکیکات در مسئله دین است. این مسئله از قرن بیستم با ظهور مکتب‌هایی که ادعای نجات انسان را دارند کلید خورده است؛ از این رو یکی از دلایل اهمیت پرداختن به حدیث، برخورد های انتقادی با سنت و حدیث است (برای نمونه رک: هندی، ۱۳۳۴ش، ج ۲: ۱۹۶؛ روشن ضمیر، ۱۳۹۰ش: ۱۰۶).

۳. قرار گرفتن اسلام در برابر مسائل جدید: اسلام در مقابل مسائل جدیدی^۲ از جمله جریان های حدیث پژوهی از سوی خاورشناسان و روشن فکران با رویکرد شکاکانه قرار گرفت. دین به عنوان صاحب نظر در این زمینه از دو منبع قرآن و حدیث برای پاسخ استفاده می کند. پژوهشگر معاصر، آیت الله معرفت نیز در مقام دفاع از دین و تنبه سنت و حدیث از شبهات برآمد؛ زیرا دین مجموعه ای از قرآن و سنت و روایات و... است.

۳. موضع گیری مرحوم معرفت در خصوص حدیث در مقایسه با دیگر علمای اهل تسنن

عالمان علوم قرآنی به ویژه اهل سنت در مواجهه با سنت دو رویکرد افراطی (سستی) و تفریطی (روشن فکر) در پیش گرفتند. عالمانی همچون سیوطی (قرن نهم)، زرکشی (قرن هشتم)، زرقانی (قرن چهاردهم) با فرض عدالت صحابه، تمامی روایات را پذیرفتند. هدایت پذیری از صحابه را، به ویژه خلفای راشدین، واجب دانستند. آنچه عالمان اهل سنت را مجبور ساخته اقوال متعارض صحابه را با یکدیگر جمع کنند، این است که قول صحابی را، حداقل در امور اجتهادی، قول پیامبر ﷺ دانسته و به حجیت و صحت آن اعتقاد دارند و ناگزیر شده اند که به عدالت صحابه تأکید کنند و اقوال همه صحابه را

به‌طور مطلق قول و فعل پیامبر (سنت) تلقی کنند. همچنین این عالمان علوم قرآنی چندان به مباحث بنیادی در روایات نپرداختند و درصدد تنقیح روایات و مصادر آنها برنیامدند؛ درحالی‌که مرحوم معرفت روایات علوم قرآنی - تفسیری را به‌صورت تطبیقی با شاخص‌های عقلانی مقایسه و یا مورد نقد قرار داده است. از نظر مرحوم معرفت می‌توان برداشت کرد که سنت^۳ در لسان وی، عبارت از «گزارش قول و فعلی است که با صحت سند به پیامبر نسبت داده می‌شود» و زیرمجموعه آن عبارت است از «روایاتی که با صحت سند از قول معصوم - پیامبر یا ائمه - نقل شده است» (معرفت، ۱۳۷۹ش [الف]: ۵؛ همو، ۱۴۲۳ق: ۱۳۱).

گروه دیگر منکر اعتبار حدیث شدند؛ در اوایل قرن بیستم در مصر محمد توفیق صدیقی (۱۸۸۱-۱۹۲۰م) و در هند سید احمدخان هندی (۱۸۱۷-۱۸۹۸م) از جمله قائلان قرآن‌بستگی و انکار حجیت حدیث هستند که از به‌کارگیری روایات مشکوک پرهیز کرده و برای پذیرش حدیث، شروط سختی را قرار داده‌اند؛ درنهایت حدیث را به‌عنوان منبع قابل اعتماد برای اجتهاد در موضوعات مذهبی انکار کرده و قرآن را به‌عنوان تنها منبع پذیرفته‌اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۰ش: ۲۷۲). به گفته مرحوم معرفت «سید احمدخان حتی المقدور برای تبیین و توجیه اصول و فروع شریعت، از عقل و علم بهره جست و هرچه [از جمله حدیث] را در پیمانه این دو نمی‌گنجید، انکار و اگر ممکن باشد تأویل کرد» (معرفت، ۱۳۷۹ش [الف]: ج ۲: ۵۱۲). درمقابل، مرحوم معرفت با نگاهی بینابین، به شناسایی، استخراج و تنقیح روایات وارده می‌پردازد.

موضع‌گیری مرحوم معرفت درخصوص روایات اعم از سنت یا حدیث عبارت‌اند از:

۱. منابع سه‌گانه (قرآن، سخنان صحابه و تابعین؛ ائمه^{علیهم‌السلام} را ذیل همان صحابه و تابعین در نظر گرفته است - در صورت صحت سند و محتوای آنها). منبع اصلی در مطالعات قرآنی است؛ ۲. سنت و زیرمجموعه آن حدیث در کنار قرآن، شارح و توضیح‌دهنده آن است؛ ۳. روایات فریقین منبعی مهم و کلیدی هستند که بعد از شناخت صحیح و ضعیف، باید بدان مراجعه کرد؛ چنین فهمیده می‌شود که علاوه بر تمرکز و تدبر در خود

آیات، توجه خاصی به اخبار و روایات داشته و آن‌ها را از حیث هم‌سویی دلالتشان با مضامین قرآنی مورد توجه قرار داده است (همو، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۴۰۴-۴۰۶).

۴. جایگاه حدیث در علوم قرآن از نگاه آیت‌الله معرفت

ارزش حدیث در علوم قرآنی را می‌توان در کتاب‌های علوم قرآن آیت‌الله معرفت به دست آورد که در تبیین مسائل علوم قرآنی، روایات جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به طوری که گاهی در پاره‌ای از علوم قرآنی فقط روایات را می‌آورد و به نظرات نویسندگان علوم قرآنی توجهی ندارد (ر.ک: همو، ۱۳۸۱ش).

۱-۴. مدت نزول قرآن: آیت‌الله معرفت در کتاب علوم قرآن ذیل مدت نزول قرآن، فقط به روایات^۴ معصومین علیهم‌السلام استناد کرده و نتیجه می‌گیرد که طبق روایات اسلامی، نزول قرآن ۲۳ سال طول کشید (همان: ۶۳؛ همو، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ۱۴۴). وی هم‌افق با افرادی چون شیخ مفید، سید مرتضی، زمخشری، ابن شهر آشوب و بیضاوی، به روایات استناد نموده، نزول دفعی را انکار کرده، تنها نزول تدریجی را می‌پذیرد (مفید، بی‌تا: ۱۲۳؛ علم‌الهدی، بی‌تا، ج ۱: ۴۰۳-۴۰۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۲۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۶۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۲۵).

۲-۴. اولین آیه و سوره نازل شده: بحث از اولین آیات نازل شده یکی دیگر از علوم قرآنی است که علامه معرفت در این باره نیز فقط با استناد به روایات^۵ نتیجه‌گیری کرده است (معرفت، ۱۳۸۱ش: ۷۵؛ همو، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ۱۴۲).

۳-۴. ترتیب نزول: در اینکه سوره‌های قرآن به چه ترتیبی نازل شده است و در علوم قرآنی چه جایگاهی دارد، آیت‌الله معرفت به روایات استناد کرده است (همو، ۱۳۸۱ش: ۸۸؛ همو، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ۱۶۷).

۴-۴. توجه به تفکیک آیات مکی از مدنی و تشخیص این‌گونه آیات به کمک روایات، وی را بر آن می‌دارد تا به بررسی روایات مربوط بپردازد (ر.ک: همو، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ص ۱۶۹-۲۳۷).

۵-۴. روز بعثت و شروع وحی: در کتاب *التمهید* با استناد به روایات اسلامی، آغاز

بعثت رسول خدا را در ۲۷ رجب و شب قدر همان سال به‌عنوان آغاز نزول وحی بررسی می‌کند و این یعنی در بحث علوم قرآنی مانند وحی و آغاز آن، روایات^۶ جایگاه اصلی و اولیه را دارد (همان، ج ۱: ۱۳۵-۱۵۴؛ همو، ۱۳۸۲ش: ۴۲).

۴-۶. معنای تنزیل و تأویل (نظریه بطن): در مفهوم شناسی این دو کلمه نیز، روایات مورد استناد مرحوم معرفت قرار گرفته و با استناد به روایات، این دو کلمه را معنا کرده است (همو، ۱۳۸۱ش: ۱۰۱).

مرحوم معرفت آیاتی از قرآن را با استناد به روایاتی درباره بطن در طی پنج مرحله بررسی نموده و تطبیق مصادیق جدید بر آیات را موجه دانسته است. وی در تأویل آیات نیز از روایات (به‌ویژه روایات مربوط به ظهر و بطن قرآن) کمک می‌گیرد و قرآن را ذومراتب خوانده، حقیقت معنای آن را، بطن آیه اطلاق می‌کند؛ حقیقتی که در تمام آیات قرآن سریان و جریان دارد و تنها در روایات و کلام سلف به کار رفته است. وی همچنین معتقد است که بنا بر روایات متعدد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، راسخان در علم هستند که از تأویل آگاه‌اند.^۷ این مطهرین در مقام ارائه طریق، واژه‌ها را که به‌لحاظ ظاهر و باطن مفهومی گسترده دارند، از مصداق‌های معهود دور ساخته، به مصداق کلام الهی نزدیک می‌کنند و این‌گونه، راه چگونگی فهم قرآن را نشان می‌دهند (همو، ۱۳۸۸ش، ج ۳: ۲۷-۴۸). این قسمت (تأویل) از بررسی‌های مرحوم معرفت، یکی از گسترده‌ترین و تا حدودی جامع‌ترین تحقیق در بازکاوی مدالیل آیات بر طبق احادیث و نقد دیدگاه‌های تفسیری فرق مختلف است که اغلب منجر به تفسیر به رأی شده است. وی در این زمینه بهترین منبع را تأویلات مأثور از امامان اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان دیدگاه‌های مستند به آیات به شمار آورده است. ایشان از مواردی روایات تأویلات صحیح، برای تبیین دقیق‌تر بهره جسته است؛ چراکه روایات تأویلی اهل بیت علیهم‌السلام نیز با آیات تطابق دارند (همان، ج ۱: ۲۶۹). اما رویکرد وی در این بخش، صرفاً استفاده از این منابع جهت غنای تبیین‌های خود نبوده است، بلکه ضرورت استفاده از منابع اصیل در علم دین را متذکر می‌شود (همو، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۴۳).

۷-۴. نسخ تدریجی: آیت‌الله معرفت در بحث ناسخ و منسوخ نیز به کتاب‌های جمع‌شده اصحاب معصومین و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اشاره دارد که درباره ناسخ و منسوخ چه احادیثی نقل شده است و نظر معصومین در اهمیت شناخت ناسخ و منسوخ چیست (همو، ۱۳۸۸ش، ج ۲: ۲۶۷).

مرحوم معرفت در نظریه نسخ از معنای لغوی گرفته تا مفهوم و زمان نزول آیات ناسخ و منسوخ به روایات مراجعه می‌کند؛ در این میان، وی در عوض توجیه روایات آحاد یا تأویل روایات نسخ، از آن‌ها در جهت تغییر در مفهوم نسخ کمک می‌گیرد که در ادامه با ذکر مثال، بهتر تبیین می‌شود.

ایشان به استعمال نسخ در میان صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بیشتر در معنی «ازاله و از بین بردن» بوده، توجه کرده است (همو، ۱۳۸۳ش: ۹۹). معرفت از روایات صحابه با شرط صحت سند و موافقت با آیات، یا قرینه‌ای بر استقلال مبحث ناسخ و منسوخ و جدایی آن از عام و خاص و سایر اسلوب‌های بیانی استفاده می‌کند (همو، ۱۳۸۱ش: ۲۴۸) و یا به‌عنوان مبین کمک می‌گیرد. (نمونه‌ها در ادامه آورده خواهد شد).

وی با این پیش‌فرض که لازمه قبول نسخ، نزول آیات ناسخ بعد از آیات منسوخ است، در این زمینه به روایات مربوط مراجعه می‌کند. وی بررسی جامعی در احادیث اسلامی موجود در منابع شیعی و سنی به عمل آورده (معرفت، ۱۳۹۰ش: ۱۲۴) اگر با محتوای آیات سازگار بودند، آن روایات را می‌پذیرفت. وی در این باره می‌نویسد: «برای تشخیص ناسخ از منسوخ، هیچ منبعی جز مراجعه به سنت نیست؛ زیرا در خود قرآن هیچ راهی برای جداسازی ناسخ از منسوخ وجود ندارد؛ خصوصاً اینکه ترتیب کنونی آیه‌ها و سوره‌ها - حداقل در بعضی از موارد - با آنچه در زمان نزول بوده، تفاوت کرده است» (همو، ۱۳۷۹ش [ب]، ج ۱: ۱۷۴).

«شریعت قرآنی» به بیش از نص قرآنی سرایت می‌کند و سنت، روایات معصومین و اجتهادات فقها و مفسران و تصورات مختلف آن‌ها به‌حسب زمان و مکان را شامل می‌شود. در نسخ تدریجی قرآن، ادله نقلی فراوانی از سنت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه

معصومین^{علیهم السلام} و حتی سیره^{علیهم السلام} برخی صحابه - به‌عنوان مؤید - گواهی می‌دهند. برای نمونه مواردی که در این خصوص، مرحوم معرفت از روایات تأسی پذیرفته و نسخ تدریجی را مطرح نموده است، ذکر می‌شود:

الف. از نمونه‌های بارز تشریح تدریجی، حرمت شراب است که بیشتر مفسران فریقین بدان توجه کرده و بر طبق آیات و روایات، مراحل را برای آن ذکر نموده‌اند. همچنان‌که آیت‌الله معرفت اشاره کرده است، تدریج در بیان تحریم و شدت لحن این‌گونه بوده است که شارع، ابتدا جهت هماهنگی با جامعه، با نرمش و انعطاف از شراب سخن گفته تا مردم درباره[ٔ] این مسئله اندیشیده و از نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله} سؤال کنند تا مقدمات تأکید و تشدید حرمت شراب فراهم شود و این سنت غلط به‌طور کلی و به تدریج نسخ شود (همو، ۱۴۲۳ق: ۱۷۴-۱۸۶).

ب) در حکم ضرب زنان ناشزه مرحوم معرفت معتقد است تعبیر «ضرب» در آیه، برای سؤال درباره[ٔ] آن از نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله} بوده که در لسان و سیره^{علیهم السلام} ایشان و اهل بیت^{علیهم السلام} به‌خوبی تفسیر شده است. بر این اساس، نخست، این زدن باید بدون درد باشد که زدن این‌چنینی درحقیقت زدن نیست و درواقع دلالت آیه را خشتی می‌کند و حق تنبیه بدنی زن از سوی مرد را یکسره نفی می‌کند. مرحوم معرفت روایاتی در تفسیر «ضرب» در این آیه از نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله} و ائمه^{علیهم السلام} و صحابه نقل می‌کند که منظور از «ضرب»، زدن است که بدون درد، بدون تغییر رنگ در پوست، به‌منظور تأدیب باشد. دوم، در سیره و سنت نبی اکرم^{صلی الله علیه و آله} و اهل بیت^{علیهم السلام} مطهرشان از زدن زنان نهی و بر ممنوعیت آن تأکید شده و متخلف از این نهی از اشرار امت دانسته شده است. سوم، توصیه‌های مؤکدی بر حفظ شأن و ارزش زنان و کرامت آن‌ها و رفتار با عطف و ملایمت با آن‌ها شده است؛ سپس ایشان به روایات فراوانی^۱ در این زمینه اشاره می‌کند (همو، ۱۳۸۸ش، ج ۲: ۲۸۶؛ همو، ۱۴۲۳ق: ۱۵۰-۱۵۱).

ج. در مورد حکم اسیران جنگی، فقهای امامیه در برخورد با اسیران جنگی، ولی‌امر را مخیر در سه راه آزادی با عوض، آزادی بدون عوض - که از نص آیه به دست می‌آید -

و به بردگی گرفتن اسیران جنگی - که از روایات و سنت به دست می‌آید - دانسته‌اند (فاضل مقداد، ج ۴: ۱۹۴، ج ۱: ۳۶۵؛ حلی، ۴۱۳ق، ج ۱: ۴۸۸)؛ از این رو حکم استرقاق و به بردگی گرفتن، نه در متن آیه (۴ محمد و ۵ توبه آیه سیف)^۹ آمده و نه از آن استفاده می‌شود. نظر مرحوم معرفت بر این است که این حکم از ادله دیگر (سنت و روایات) به دست می‌آید^{۱۰} (معرفت، ۱۴۲۳ق: ۱۸۶).

۸۴. در بخش اعجاز: مرحوم معرفت با بهره‌گیری از شواهد روایات به تبیین وجوه اعجاز می‌پردازد. از جمله فصاحت و بلاغت (اعجاز بیانی) را صدر اعجاز و گسترده‌ترین وجه اعجاز آیات قرآن معرفی می‌کند (همو، ۱۳۸۸ش، ج ۵: ۱۵) از همین رو روایت نقل شده از «الرضاء^{۱۱}: یوما القرآن، فعظم الحجة فيه، و الآیة المعجزة فی نظمه» را شاهد همین مطلب آورده است (همو، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۲۰).

این نمونه‌ها بیانگر جایگاه مهم احادیث در تبیین علوم قرآنی و به‌خصوص در نگرش آیت‌الله معرفت است که یا به‌عنوان مؤیدی بر دیدگاه خود یا راهنمایی در ابداع نظریه‌اش به کار می‌گیرد. خود تفسیر هم که یکی از علوم قرآنی است و از جایگاه مهم‌تری برخوردار است، باز احادیث، مفسر اصلی و اولیه آیات هستند و آیت‌الله معرفت در این باره نیز کتاب مستقلی دارد که قرآن را با احادیث تفسیر می‌کند و این جایگاه ویژه حدیث را نزد این مرحوم ثابت می‌کند.

۵. ادله روایی مرحوم معرفت در نظریات علوم قرآنی

قرآن و عترت به‌عنوان دو منبع جدایی‌ناپذیر هدایت، همواره مؤید یکدیگر بوده‌اند که در طی قرون متمادی، در قالب گنجینه‌های روایی به دست ما رسیده است. از این رو علاوه بر آیات، چند دسته از روایت بر جاودانگی قرآن، نسخ تدریجی، مصونیت قرآن کریم از تحریف، حجیت ظواهر و... گواهی می‌دهند که مستندات روایی مرحوم معرفت هستند؛ از جمله:

الف. روایات جری و تطبیق

امام باقر^{۱۲} درباره جریان داشتن قرآن و تطبیق آن در هر عصر و زمانی می‌فرماید: «...»

الْقُرْآنُ يُجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...»؛ قرآن همچون جریان خورشید و ماه جاری است؛ یعنی همان‌طور که خورشید و ماه در جریان و گردش‌اند، قرآن هم در هر عصر و زمانی در گردش بوده و کارایی دارد (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۰۳؛ معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ۵۹، ۲۵۵ و ۲۶۸، ج ۳: ۲۶، ج ۷: ۴۴۸ و...).

همچنین ایشان فرمودند: «وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ، نَاطِقٌ لَا يَعْيا لِسَانُهُ، وَ بَيْتٌ لَا تَهْدُمُ أَرْكَائُهُ، وَ عَزٌّ لَا تَهْزُمُ أَعْوَانُهُ»؛ کتاب خدا، قرآن، در میان شما سخن‌گویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی کند و خسته نمی‌شود و همواره گویاست؛ خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و صاحب‌عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۳۳؛ معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۷).

ب. تازه بودن قرآن در هر زمان و تکراری نشدن آن

در حدیث مروی از حضرت رضا^{علیه السلام} به نقل از پدرش از امام صادق^{علیه السلام} در پاسخ مردی که پرسید چرا مرور زمان موجب کهنگی و از دست رفتن تازگی قرآن نمی‌شود، فرمود: «لَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِمَنْ دُونَ زَمَانٍ، وَ لَا لِأَنْسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ زیرا خداوند قرآن را برای زمان ویژه و مردمانی مخصوص و معین قرار نداد. قرآن در هر زمانی تازه و نو و نزد هر ملتی تا روز قیامت مورد استفاده است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۵۸۰؛ معرفت، ۱۳۷۹ش [ب]، ج ۲: ۴۵۱؛ همو، ۱۴۲۷ق: ۱۶۴؛ همو، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۸).

در کلام دیگری امام رضا^{علیه السلام} فرمود: «هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ عُرْوَةُ الْوَثْقَى، وَ طَرِيقَتُهُ الْمَثَلِي، الْمُوَدِّي إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمُنْجِي مِنَ النَّارِ، لَا يَخْلُقُ مِنَ الْأَزْمِنَةِ، وَ لَا يَغْتَلِي عَلَى الْأَلْسِنَةِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِمَنْ دُونَ زَمَانٍ، بَلْ جَعَلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَ حُجَّةَ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»؛ قرآن، ریسمان محکم خداست و حلقه‌ی استقامت وی، راه حق‌گونه‌اش، برنده به بهشت، نجات‌دهنده از جهنم است. نسبت به زمان‌ها کهنه نمی‌شود، بر زبان‌ها فاسد نمی‌شود؛ زیرا قرآن برای زمانی مخصوص قرار داده نشده، بلکه قرآن راهنما و برهان بر هر انسانی است. باطل از هیچ‌سو بر آن وارد نمی‌شود. از سوی خدای حکیم و حمید نازل شده است (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۰؛ معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۹؛ همو،

۱۴۲۸ق: (۲۳۸).

علی علیه السلام در وصف قرآن می فرماید: «...و لا تخلقه كثرة الردّ و ولوج السمع»؛ تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه اش نمی سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی شود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۶؛ معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۹).

ج. روایات مراجعه به قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه رهایی از فتنه ها را رجوع به قرآن دانسته، می فرماید: «...إِذَا التَّبَسَّتِ الْأُمُورُ عَلَيْكُمْ قَطِّعِ اللَّيْلَ الْمَظْلَمِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»؛ هرگاه مسائل و امور (جامعه) بر شما (حق) را همچون پاره شب تاریک پوشانند، بر شما باد (به مراجعه و عمل) به قرآن (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴: ۵۹۵؛ معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۳: ۱۵).

د. حدیث ثقلین

حدیث مشهور ثقلین که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، از جاودانگی قرآن و عترت تا روز قیامت خبر می دهد: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، خَلِيفَتَيْنِ، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ؛ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (أَوْ قَالَ إِلَى الْأَرْضِ) وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ»؛ ای مردم، من در میان شما دو امانت و جانشین نفیس و گران بها می گذارم؛ تا وقتی که از این دو تمسک جویند، بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد. یکی بزرگ تر از دیگری است؛ کتاب خدا قرآن که ریسمان کشیده شده بین آسمان و زمین است، و دیگری عترت اهل بیتم. آگاه باشید این دو یادگار من هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۱۳؛ معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۹: ۴۲۸). در این حدیث معتبر که به صورت متواتر در منابع روایی شیعه و اهل سنت نقل شده، قرآن کریم و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان دو گوهر گران سنگ معرفی شده است. در صورتی که اگر قرآن تحریف شده بود، چنگ زدن به آن نه تنها مانع گمراهی نمی شود، بلکه خود گمراه کننده خواهد بود.

ه. روایات عرضه به قرآن

از امام صادق علیه السلام در ضرورت موافقت حدیث با قرآن آمده است: «مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زَحْرَفٌ»؛ حدیثی که موافق قرآن نباشد، آن حدیث باطل است. «فما وافق

کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۲۱؛ معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۳۱۴). بنابراین وقتی قرآن ملاک و معیار صحت روایات باشد، لازمه‌اش این است که خود قرآن کریم، سالم و از تحریف به دور باشد و الا عرضه روایات بر قرآن کریم و ملاک بودن آن، منطقی و معقول نخواهد بود.

۶. جایگاه حدیث در مصادر تفسیری با تأکید بر روایات صحابی از دیدگاه آیت‌الله معرفت

از آنجاکه مؤلفان علوم قرآنی، از منابع تفسیر با عنوان «مآخذ» یاد کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۹۲) و مقدمه‌التفسیر الاثری الجامع نیز رنگ مسائل علوم قرآنی به خود گرفته است، در ذیل به نقش روایات در مصادر تفسیر توجه خواهد شد. بی‌شک زبان قرآن، زبان عرب عصر نزول است و شیوه بیانی قرآن، شیوه گفتاری است؛ این بدین معناست که برای دستیابی به معنای حقیقی واژه‌ها در قرآن باید به معنای اصلی آن واژه‌ها در عرف قرآن مراجعه نمود؛ زیرا رسیدن به معنای دقیق هر واژه، نیازمند بررسی نظام معنایی حاکم بر قرآن و جایگاه هر واژه در کل نظام معنایی و ارتباط با سایر واژگان در متن (سیاق) است. از این رو مرحوم معرفت روایات صحابه و تابعان را با فرض صحت سند مهم‌ترین منبع تفسیر معرفی می‌کند؛ چراکه این منبع به فرهنگ و فضای عصر نزول (گفتمان رایج) برمی‌گردد و ذهنیت مخاطب را به فضای عرب‌های مخاطب نزدیک می‌کند. گرچه در فهم آیات از خود آیات می‌توان بهره‌مند شد، نمی‌توان انکار کرد که جزئیات قصص، احکام، فروع، جزئیات و... از آن سنت است. پیامبر^{صلی الله علیه و آله} مفسر ابهامات و مبین تشریحات است و احادیث صحابه برتر و عترت پاک آن حضرت، میراث عظیم جاوید تلقی می‌شود (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۳۲-۳۳، ۸۸، ۹۲ و ۱۴۰) و سرمایه اصلی و گسترده‌ای برای فهم آیات در همه اعصار خواهد بود؛ تا جایی که سرمایه اصلی برای استوارسازی دلالت‌های درونی قرآن به حساب می‌آید (معرفت، ۱۳۷۹ش [ب]، ج ۱: ۱۶۸). گرچه در آثار مرحوم معرفت، بحث مستقل و مجزایی با عنوان مصادر تفسیری نیست و با نقل قول از سیوطی (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۴۴۳) و

زرکشی (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۹۲) چهار مصدر روایت رسول خدا ﷺ به شرط اجتناب از خبر ساختگی، قول صحابی، مطلق لغت، مقتضای کلام را ذکر می‌کند (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۴۱)؛ ولی بارها منابع سه‌گانه (قرآن، سخنان صحابه و تابعین، در صورت صحت سند و محتوای آن‌ها) ائمه را ذیل همان صحابه و تابعین در نظر گرفته است (همان، ج ۱: ۲۵۱). ایشان نخستین خاستگاه مصادر را در روایات جست‌وجو می‌کند؛ این مطلب را می‌توان با مراجعه به فهرست احادیث مورد استفاده وی دریافت (همو، ۱۳۷۳ش: ۴۹۰؛ همو، ۱۳۷۹ش [الف]، ج ۲: ۱۹۱، ۱۹۸ و ۲۹۵). مؤید این مطلب استفاده از منابع اصیل روایی مانند تفاسیر روایی طبری^{۱۱} و طبرسی و ابن‌کثیر و ابن‌عطیه و قرطبی و... با پالایش از اسرائیلیات است (همو، ۱۳۷۹ش [الف]، ج ۲: ۱۹۱، ۱۹۸ و ۲۹۵). همچنین برای نمونه تفسیر ابو حمزه ثمالی را از منابع تفسیری روایی معتبر و تفسیر غریب القرآن ابن‌قتیبه را یکی از غنی‌ترین منابع تفسیری لغوی بر شمرده است.

با پذیرش اهمیت روایات صحابی^{۱۲} به‌ویژه برای قرآن‌پژوهان، مناسب‌تر آن است که به‌طور مستقل مطرح شود. دو مقدمه و نتیجه ذیل در صدد تبیین بهتر این مسئله است:

الف. اهمیت نظر به صحابه به‌عنوان یکی از مصادر تفسیری و جایگاه بلند آنان و پیشگامی آنان در تفسیر قرآن کریم، بر هیچ قرآن‌پژوه آگاهی از جمله مرحوم معرفت پوشیده نیست؛ چراکه تقریباً تمام سوره‌های قرآن به‌صراحت یا با اشاره از پیامبر ﷺ و قوم آن حضرت گزارش‌هایی ارائه می‌کنند (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰ش: ۵).

ب. یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حوزه روایات اصحاب، بهره‌گیری از اخبار آحاد است. رویه مرحوم معرفت که عدم تقلید از محقق متقدم یا متأخر بوده است، نظر امثال علامه در عدم حجیت اخبار صحابی^{۱۳} و حجیت خبر واحد را نقد کرده است. مرحوم معرفت که توجه ویژه‌ای به سبک و مبانی شیخ طوسی داشته است، در این مبنا از شیخ متأثر بوده و عمل اصحاب را قرینه‌ای مهم بر پذیرش خبر و اعتبار راوی آن می‌داند. وی با بازنگری در ادله حدیثی از سوی محدثان مطرح همچون شیخ صدوق، تنسیق جدیدی از اصول حدیث ارائه می‌دهد. او باینکه شیخ صدوق را عالمی تیزبین و منقح

حدیث وصف می‌کند، استفاده‌ی وی از اخبار واحدی را که موجب علم و عمل نیست، زیر سؤال می‌برد (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۷۴-۱۷۵).

از مطالبی که پیش از این گذشت، به روشنی فهمیده می‌شود روایت اصحاب مشروط بر اینکه سخنان آنان از طریق متواتر یا همراه با قراین صدق و دلایل یقین‌آور به دست برسد و صحابی بلندمرتبه باشد، حجت و از منابع اصلی و معتبر مصادر تفسیر است؛ از این رو اگر مبنای مرحوم معرفت پس از قرآن، وثوق به صدور و تحقق شرط حجیت این روایات باشد، تأثیر قابل توجهی در موضع‌گیری‌های او خواهد داشت. برای نمونه در تحلیل منزلت آرای صحابه مانند ابن عباس و ایدۀ نوبی که درباره‌ی تابعان از جمله عکرمه دارد، بسیاری از روایات معانی لغات و اسباب نزول از عکرمه به نقل از ابن عباس است. وی عکرمه را بر پایه‌ی پیش‌فرض‌ها (شاگردی مکتب صحابه، آگاهی به وضع لغات) از تهمت‌هایی که به او نسبت داده‌اند، تبرئه نموده است (همو، ۱۳۷۹ش [الف]، ج ۱: ۳۸۶).

۷. توجه مرحوم معرفت به روایات اهل سنت

مرحوم معرفت که برخلاف دیگر قرآن‌شناسان، میزان مراجعاتش به منابع اهل سنت زیاد است، در ضمن بهره‌مندی، این‌گونه روایات را مورد نقد قرار می‌دهد؛ به‌رغم اینکه به نقد روایات شیعه نیز می‌پردازد. ایشان با این باور که تألیفات پیشوایان حدیثی حاوی بسیاری از احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صحابه است، از مقدم‌ترین آن‌ها، یعنی آثار بخاری، شافعی، احمد بن حنبل، ابن ماجه، بیهقی، دارقطنی، حاکم و دیگران نام می‌برد. وی معتقد است این احادیث از حیث راویان، متن و از باب موجودیت در کتب سنن، احتمال صحت دارند (معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۷: ۲۰۰)؛ برای مثال حدیث ثقلین را به منابع اهل سنت ارجاع می‌دهد (همان، ج ۹: ۴۲۸).

اصطلاحی که مرحوم معرفت در بحث منابع حدیثی از آن استفاده می‌کند، روایات اصحاب سنن^{۱۴} است که منظور از آن، احادیث نقل‌شده از ابوداود، ترمذی و نسائی است. مهم‌ترین منبع روایی مورد اعتماد ایشان در مطالعات قرآنی (علوم قرآن - تفسیر) به ترتیب امیر مؤمنان علیه‌السلام، روایات ابن عباس، امام باقر علیه‌السلام، منبع روایی بخاری، احمد بن

حنبل، انس بن مالک و ترمذی است (همو، ۱۳۷۹ش [الف]، ج ۲: ۵۷۸). غالب روایات مورد استناد مرحوم معرفت که شامل اسباب نزول‌ها، روایات سیره، روایات مکی و مدنی، روایات تفسیری و روایات ناسخ و منسوخ هستند، مربوط به این آثار است. از منابع روایی دیگری که وی به‌طور محدودتر استفاده می‌کند، موطأ مالک و تألیفات ابو عبدالله قاسم، شافعی، احمد بن حنبل، ابن ماجه، بیهقی، دارقطنی و حاکم را می‌توان نام برد. او کتاب موطأ مالک را روایات مسندی می‌داند که به آن دست یافته است. او این اثر را شامل تعداد زیادی از احادیث پیامبر ﷺ، اصحاب و تابعین ایشان دانسته، آن را به کتب خمسه ملحق می‌داند (همو، ۱۳۷۹ش [الف]، ج ۲: ۵۷؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۷۷). این‌گونه بهره‌مندی وی از منابع اهل سنت رویکرد تقریبی را شکل داده است؛ یعنی در احادیث پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و برخی صحابه و تابعین از منابع فریقین در کنار هم استفاده کرده و نقد و بررسی عالمانه آن‌ها را نیز مورد توجه قرار داده است. چنین رویکردی ریشه در نگاه خاص و مبانی حدیثی وی داشته است.

۸ آسیب‌شناسی روایات از دیدگاه مرحوم معرفت

مرحوم معرفت در ذیل توجه به آفات تفسیر نقلی، بسیاری از اقوال منسوب به طبقه اول و نزدیک به آن را از جعل در امان نمی‌داند؛ چراکه در دوران رواج و ضبط و تدوین روایات، خوب و بدشان و صحیح و باطلشان اختلاط پیدا کردند و تأثیر اختلافات سیاسی، حزبی، کلامی، مذهبی، مالی و نژادپرستی و ورود اسراییلیات در تفسیر آشکار شد، بعضی دچار تشویش و تحریف شدند و در برخی از آن‌ها، خرافات وارد شد؛ به‌طوری‌که تصدیق صدور اکثر آن‌ها از جانب صحابه، تابعین، اتباع تابعین، صحیح نیست (همو، ۱۳۷۹ش [الف]، ج ۲: ۲۴-۲۵). نتیجه این امر از نگاه وی، خطا، تشویش، اختلاف و جدال‌های فراوان بوده که گاه دستاویز دشمنان و مستشرقان قرار می‌گیرد (ر.ک: همو، ۱۳۷۹ش [ب]، ج ۱: ۲۳۹). باینکه وی این روایات را از مهم‌ترین ارکان و بزرگ‌ترین منابع تفسیر به حساب آورده، معتقد است در آسیب‌شناسی تفاسیر - که قطعاً شامل روایات علوم قرآنی است - منسوب به سلف صالح به‌ویژه ائمه علیهم السلام دو نکته حائز اهمیت

است:

الف. نوعی خلط میان تفسیر ظاهر و باطن رخ داده است؛ به این صورت که برخی مصادیق آیه را تفسیر کامل آیه پنداشته‌اند. از این رو جدا ساختن این دو امر و فرق میان آن‌ها ضروری است.

ب. در تفاسیر منسوب به سلف صالح به‌ویژه ائمه^{علیهم‌السلام} احادیث جعلی فراوانی هستند که اکثر این‌گونه روایات ساختگی با عقل رشید و مبانی حکیمانه در تضاد است؛ سندهای مقطوع یا سستی دارند که به‌وسیله رجالی ضعیف و مشهور به جعل شکل یافته است که خود موجب سقوط آن‌ها از درجه اعتبار گردیده است (همو، ۱۳۷۹ش [ب]، ج ۱: ۴۵۶ و ۴۴۷). او در این خصوص، حتی درباره روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} نیز تردید داشته، احتمال تحریف آن‌ها را می‌دهد.^{۱۵} این در حالی است که هیچ‌یک از این عالمان علوم قرآنی اهل سنت (زرکشی، سیوطی، زرقانی) در صدد تنقیح منابع برنیامده‌اند.

۱-۸. نقد متنی روایات

نقد متنی حدیث، از مهم‌ترین مبنای داوری درباره روایت تلقی می‌شود. مرحوم معرفت نیز برای قضاوت نسبت به انواع روایات، بیش از سند، متن آن‌ها را ملاک قرار می‌دهد. ایشان در داوری روایات به نقد متن حدیث یا نقادی ذاتی حدیث پرداخته، درخصوص صحت سند در درجه اول قرار دارد؛ شیوه‌ای که به دوران فقهای محقق سلف باز می‌گردد. مهم‌ترین معیار مرحوم معرفت برای ارزیابی روایات، شواهد قرآنی است؛ چراکه وی مفسری قرآن‌محور است و در شرح و تبیین آیات، قرآن را معتبرترین منبع می‌شناسد. بدین سبب، استنادش به نص، ظاهر، سیاق و دیگر قراین داخلی، در روش نقادی احادیث، کاربرد زیادی دارد که پایبندی وی به اصول استفاده و نقد روایات، روش مندی و اتکای بر مبانی متقن را نشان می‌دهد. مرحوم معرفت که معمولاً در برخورد با روایات رویکرد ثابتی دارد، در مورد روایات اسباب نزول و روایات سوره‌های مکی و مدنی و... هر جا این‌گونه روایات مطابق محتوای آیات یا عقل سلیم یا ساحت پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و صحابه نباشد، آن‌ها را نمی‌پذیرد. برای نمونه نشانه‌های جعل را در برخی

مطالب اسباب النزول سیوطی و یا کتاب مشهور طبرسی پرواضح می‌بیند. او در این موضوع، به صحیح‌ترین روایت در این باب منقول از ابن عباس که هم علامه طبرسی از شیعه و هم زرکشی از عالمان اهل سنت به آن اعتماد کرده‌اند، رجوع نموده است (همو، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۶۷ و ۲۵۴).

به اعتقاد مرحوم معرفت، روایات از جمله روایات اسباب نزول^{۱۶} در کنار ارزش فراوانی که در مسیر فهم معانی قرآن کریم دارد، آکنده از ضعف، ارسال، جعل و تزویر است. این قول را امام شافعی تأیید می‌کند آنجا که می‌گوید: «(تعداد) روایات تفسیری که به ابن عباس می‌رسد، بیشتر از صد عدد نیست؛ درحالی که آنچه به او نسبت داده شده، به حدود هزار تا می‌رسد» (دروزه، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۲۱۱).

بدین لحاظ، مرحوم معرفت برای تشخیص این‌گونه روایات، غالباً از سازگاری با مفهوم آیات استفاده می‌کند. برای نمونه عدم پذیرش روایت مدنی بودن آیات ۱۶۳ تا ۱۷۰ سوره اعراف نیز، حاصل دقت مرحوم معرفت در اسلوب و مضمون این آیات و کشف هماهنگی آن‌ها با سیاق مکی سوره است؛ قرار گرفتن این آیات در سلسله آیات مکی به لحاظ حکمتی است که مربوط به موضوع آیات است (معرفت، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ۲۰۴). برای همین است که کشف مدلول متن و وثاقت سندی احادیث را شاخص مهم در به‌کارگیری روایات دانسته است؛ کاری که دیگران کمتر بدان مبادرت ورزیده‌اند. این در حالی است که از صدر اسلام تا قبل از قرن سیزدهم هجری قمری، تنها کاری که صورت پذیرفت، این بود که محدثان، مورخان و مفسران مسلمان، روایات مختلف ترتیب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، سیره پیامبر ﷺ و اسباب نزول‌ها را در آثار خاص خود و یا آثاری عمومی نظیر تاریخ، تفسیر، علوم قرآنی و حدیث آوردند؛ گاهی نیز به‌طور پراکنده برخی از آن‌ها را نقد کردند. از اواسط قرن ۱۳ق/ ۱۹م، یعنی حدود یک قرن پیش از آنکه دانشمندان اسلامی متأخر به روایات رو آوردند، دانشمندان غربی نیز به آن پرداختند. سبب اهتمام آنان بدان، این بود که قرآن و پیامبر اسلام ﷺ را بهتر و آسان‌تر به غربی‌ها معرفی کنند. مویر، اسپرنگر، ویل، شوالی، نولدکه، رودول، درنبرگ،

گریم، هرشفلد، بل و بلاشر، از مستشرقان بنامی هستند که در این خصوص به فعالیت پرداختند (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۱). گروهی از مستشرقان نظیر گلدزیهر سعی داشتند مصادر تفسیر را آلوده به اسرائیلیات نشان دهند و یا روایات را برداشت‌های فکری بعد از عصر پیامبر^ص جلوه دهند. مرحوم معرفت در جهت دفاع از سنت کریمه، از گونه‌های وضع در تفسیر و طریق اجتناب از جعلیات، نظری و عملی وارد بحث می‌شود (معرفت، ۱۳۷۹ش [ب]: ۱۰۳؛ همو، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

بنابراین با جست‌وجو در نظریات علوم قرآنی و مصادر تفسیری مرحوم معرفت معلوم می‌شود که بهترین منبع برای فهم مفاهیم قرآنی و رفع بسیاری از مبهمات، چه علوم ظاهری (مانند نسخ) و چه علوم باطنی (مانند تأویل) روایات اعم از سنت یا حدیث منقح شده است.

۹. نتیجه‌گیری

روایات در موارد زیادی، در مقام عرضه با ظواهر یا نصوص آیات قرآنی، در شناخت یا تبیین مفاهیم علوم قرآنی مرحوم معرفت، نقش بسزایی دارند. آیت‌الله معرفت برخلاف بسیاری از قرآن‌پژوهان، در نظریات علوم قرآنی به‌ویژه مباحث وحی، نسخ، متشابه و... از ادله نقلی سنت نبی اکرم^ص و ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} و حتی صحابه - به‌عنوان مؤید - بهره می‌برد. برای نمونه تفاوت قائل شدن میان آغاز رسالت و آغاز نزول، بررسی مصادیق نسخ تدریجی (در آیات زدن زنان، نسخ برده‌داری، تحریم شراب) و نظریه بطن و عدم تحریف قرآن، جاودانگی و... از همین مسئله نشئت می‌گیرد. همچنان‌که یکی از مصادر تفسیری وی، روایات معانی لغات و اسباب نزول، از صحابی با شروط خاص و تابعین آن‌هاست. به‌طور کلی، مرحوم معرفت سنت و حدیث را در فهم قرآن ضروری دانسته و معتقد است در قرآن مواردی وجود دارد که جز با اثر (روایت) تفسیر نمی‌شود؛ مانند تشریحی که در قرآن به‌صورت کلی آمده است یا مواردی مانند بیان ناسخ از منسوخ و... که قرآن به تمامی ابعاد، زوایا و جزئیات آن اشاره نکرده است و عقل نیز به جایی راه نمی‌برد. وی در مواجهه با مفاهیم علوم قرآنی، قائل به اصالت قرآن و حجیت روایات

مقبول است که بعد از تنقیح از منابع شیعه و اهل سنت با نگاهی اعتدالی اتخاذ می‌شود. علت اصلی تمایز وی از دیگر قرآن‌پژوهان نیز، همین مسئله است که به روشن‌سازی هرچه بیشتر پیوند قرآن و روایات منجر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر از این رویکرد به‌خصوص در بین ایرانیان و تلاش‌های سنگلجی و طالقانی و سپس مطهری و بازرگان و شریعتی، ر.ک: مصاحبه محققانه رسول جعفریان با شماره ۴۴ نشریه مهرنامه، سال ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۹۳.

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: نفیسی، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵.

۳. سنت در لغت به معنای روش پذیرفته‌شده یا روش پیروی‌شده و جمع مکسر آن سنن است و عمل‌کننده به سنت را متسنن می‌گویند. سنت از مقوله عملی است که در آن تکرار هست؛ از این رو سنت پیامبر ﷺ گزارش فعل مکرری است که به پیامبر نسبت داده می‌شود (ابوریه، ۱۹۹۴م: ۳۸-۳۹). برخی گفته‌اند سنت از ریشه عبرانی «سنو» و به معنی رویه (قرشی بنابی، بی‌تا، ج: ۳، ۳۲۲)، سیره (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۶، ۲۶۸)، تغییر و تحول (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج: ۵، ۲۳۹)، راه و روش پسندیده (جرجانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۲) است. سنت پیامبر ﷺ طریقه او و سنت خداوند طریقه حکمت و طاعت اوست (راغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ۴۲۹). سنت در اصطلاح به معنای آنچه از قول، فعل و تقریری است که از نبی یا معصوم صادر شود (مامقانی، ۱۳۸۵ش: ۶۶). سنت در شیعه، قول و فعل و تقریر معصوم است، اما اهل سنت احادیث منتسب به یکی از صحابه یا تابعین را نیز سنت می‌نامند و قائل به حجیت آن هستند (صالح، ۱۳۹۰ش: ۶).

۴. قال صادق علیه السلام: «... ثم نزل فی طول عشرين عاما...» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج: ۱، ۶۶).

۵. قال رسول الله ﷺ: «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج: ۴، ۱۵۸).

۶. روایت نزول دفعی «نزل القرآن جملة واحدة فی شهر رمضان إلى البيت المعمور...» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج: ۱، ۳۱۱) که بدان استناد شده، به لحاظ سند اخبار آحاد است و دلالتش مفید فایده نیست.

۷. از فحوای روایت قال رسول الله ﷺ: «يحمل هذا الدين في كل قرن عدول ينفون عنه تأويل المبطلين و تحريف الغالين و انتحال الجاهلین...» (معرفت، ۱۳۸۸ش، ج: ۳، ۴۲).

۸. فقه الرضا علیه السلام... أن يحول إليها ظهره فی المضجع و الضرب بالسواک و شبهه ضربا رفیقا... (مجلسی، ط - بیروت) بی‌تا، ج: ۱، ۵۸؛ روایات باب نشوز (معرفت، ۱۳۸۸ش، ج: ۲، ۲۸۸) و....

۹. آیت‌الله معرفت تنها آیه‌ای را که متعرض اسیران جنگی شده، آیه ۴ سوره محمد دانسته است: «فَإِذَا

لَيْسَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ الرَّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَنْحَسْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ...»؛ و هنگامی که با کافران [جنایت‌پیشه] در میدان جنگ روبه‌رو شدید، گردن‌هایشان را بزنید...

آیه سیف: «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحَرَمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ...» (توبه: ۵)؛ [اما] وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آن‌ها را اسیر سازید...

۱۰. شاخه‌های فقه منشعب شده است از میراث شرعی انبوهی که حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ابواب و زمینه‌های زندگی به جا گذارده است. خواه این حدیث بیانگر مجملات قرآن باشد یا اصل قانون‌گذاری مستقلی پس از کتاب خدا باشد. لذا پایه‌های علم فقه استوار نشد مگر بعد از اینکه خشت اول در حدیث بنا نهاده شد (صالح، ۱۳۹۰ش: ۳۲۲).

۱۱. شایان ذکر است که روایات تفسیری ابن جریر طبری را به سبب تساهل در گردآوری مطالب پراکنده، بدون ارزیابی و بی‌ارزش می‌بیند (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج: ۱، ۳۳).

۱۲. از نظر شیعه غیر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام تقلید از آراء هیچ‌یک از مفسران جایز نیست، مگر آنکه رأی آن‌ها مستند به دلیل عقلی و شرعی نظیر اجماع و تواتر باشد. این قاعده کلی شامل آراء تفسیری صحابه نیز می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج: ۱، ۳-۶). به‌طور کلی از منظر تشیع احادیث مرفوع صحابه و آن دسته از احادیث موقوفی که مبتنی بر اجتهادشان نبوده و بیانگر فهم عرفی آنان از مفردات قرآن کریم بوده است، در صورتی که عدالت یا وثاقت ایشان و صدور حدیث از آنان اثبات شود، می‌تواند مبنای تفسیر قرار گیرد و از جمله منابع لغوی است (بابایی، ۱۳۹۲ش: ۲۳۰).

۱۳. عالمان شیعه معتقدند قول صحابه ذاتاً فاقد حجیت است، مگر آنکه ثابت شود با سند صحیح از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است (نجارزادگان، ۱۳۸۳ش: ۱۴۹). مرحوم معرفت درباره حجیت اقوال صحابه و محدوده پذیرش آراء آن‌ها، بر این باور است که اصالت تفسیر صحابه بر دو پایه استوار است که عبارت‌اند از: الف. صحت اسناد مطالب تفسیری منقول از صحابه (معرفت، ۱۳۷۹ش [ب]، ج: ۱، ۲۷۹)؛ ب. بلندپایه بودن مقام آن اصحاب. در صورت تحقق این دو شرط، به عقیده ایشان برای اعتماد به تفسیر صحابی مانعی در کار نخواهد بود (عدالت صحابه). صحابه بر طبق سه مبنای درجه‌بندی می‌شوند: ۱. همراهی طولانی همراه با علم‌آموزی؛ ۲. تربیت‌پذیری کامل از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ ۳. نباید پس از ارتحال حضرت از مسیر عدالت خارج شده باشند؛ درحالی‌که از علمای اهل سنت امثال زرقانی و زرکشی پذیرش نسبت به روایات پیامبر - به فرض صحت سند - به صورت مطلق است. امثال سیوطی نیز اگر رأی و اجتهاد نباشد، مرفوع تلقی می‌کنند (آرمین، ۱۳۸۵: ۵۵۶-۵۵۷).

۱۴. حدیثی که همه اصحاب سنن آن را نقل کنند، از متواترات است (معرفت، ۱۳۸۷: ۴۵).

۱۵. برخی از این تحریف‌ها، تأویلات باطلی است که به ائمه علیهم‌السلام منتسب کرده‌اند که البته با مراجعه به خود روایات صحیح، شیوه تفسیر ائمه اهل بیت علیهم‌السلام معلوم می‌شود.

۱۶. مجموع روایاتی که به اسباب نزول معروف اند، به حدود نهصد روایت می رسند که جعل و تحریف و نقل به معنا به همراه دارد؛ به طوری که حتی از یک راوی، دو روایت متعارض ذیل یک آیه آمده است (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۴۸-۱۵۲). با این همه، نمی توان تأثیر این نوع روایات را در تفسیر سوره ها نادیده گرفت و از اهمیت آن ها در این خصوص غفلت ورزید.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آرمین، م. (۱۳۸۵). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. چ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی. ابوریه، م. (۱۹۹۴م). *أضواء علی السنة المحمدیة*. قاهره-مصر: دارالمعارف.
- ابن بابویه، م. (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تحقیق مهدی لاجوردی. چ ۱. تهران: نشر جهان.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، م. (۴۱۰ق). *مشابه القرآن و مختلفه*. چ ۱. قم: انتشارات بیدار.
- اسدآبادی، ج، خسروشاهی، ه، و عبده، م. (۱۴۱۷ق). *العروة الوثقی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- بابایی، ع. (۱۳۹۲ش). *روش شناسی تفسیر قرآن*. چ ۵. تهران: سمت.
- برقی، ا. (۱۳۷۱ق). *المحاسن*، تحقیق جلال الدین محدث. چ ۲. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بیضاوی، ع. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. چ ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، م. (۱۴۰۵ق). *التعریفات*. بیروت: ابراهیم ایاری.
- حلی، ح. (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*. تحقیق گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی. چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- حسینی، ف. (۱۳۹۰ش). *بحران مدرنیته و اسلام*. تهران: اطلاعات.
- حویزی، ع. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالتقلین*. قم: اسماعیلیان.
- خوش منش، ا. (۱۳۸۶). *روش شناسی: تفسیر اجتماعی قرآن و بیداری اسلامی*. پژوهش و حوزه، شماره ۳۰ و ۳۱، ۱۲۹-۱۵۶.
- دروزه، م. (۱۴۲۹ق). *التفسیر الحدیث ترتیب السور حسب النزول*. چ ۳. تونس: دارالغرب الاسلامیه.
- راغب الاصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی الالفاظ القرآن*. دمشق- بیروت: دارالشمیه- دارالعلم.
- روشن ضمیر، م. (۱۳۹۰ش). *جریان شناسی قرآن بسندگی*. چ ۱، تهران: سخن.
- زرکشی، ب. (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق جمال ذهبی و همکاران. بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، م. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چ ۳. بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، ج. (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. تحقیق فواز احمد زمرلی. لبنان- بیروت: دارالکتب

العربی.

- شریف الرضی، م. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. تحقیق صبحی صالح. ج ۱. قم: هجرت.
- صالح، ص. (۱۳۹۰). *علوم الحدیث و مصطلحه*. ج ۱. بی‌جا: خرسندی.
- صفار، م. (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام*. تحقیق محسن بن عباس‌علی کوجه‌باغی. ج ۲. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طوسی، م. (بی‌تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۱۴ق). *الامالی*. تحقیق مؤسسه بعثت. ج ۱. قم: دارالتقافه.
- طریحی، ف. (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. تهران: مکتبه المرتضویه.
- علم‌الهدی، م. (بی‌تا). *رسائل الشریف المرتضی*. قم: دارالقرآن الکریم.
- فاضل مقداد، ج. (۴۱۹ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. تحقیق سید محمد قاضی. ج ۱. بی‌جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- قرشی بنابی، ع. (بی‌تا). *قاموس قرآن*. بی‌جا: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت علیهم‌السلام.
- قمی، ا. (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
- کردکریمی، ا.، نصیری حامد، ر.، و شاکری خوبی، ا. (۱۳۹۹ش). *جریان بازگشت به قرآن در اندیشه سیاسی اسلام معاصر*. مطالعات سیاسی، شماره ۵۰، ۱-۱۴.
- کلینی، م. (۱۴۲۹ق). *کافی*. ج ۱. قم: دارالحدیث.
- مامقانی، م. (۱۳۸۵). *مقیاس الهدایه فی علم الدرایه*. قم: دلیل ما.
- مجلسی، م. (بی‌تا). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، م. (۱۳۷۳ش). *تناسب آیات و سوره*. ج ۱. قم: بنیاد معارف اسلامی، علوم قرآنی.
- _____ (۱۳۷۹ش [الف]). *تفسیر و مفسران*. ج ۱. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- _____ (۱۳۷۹ش [ب]). *تحریر ناپذیری قرآن*. ج ۱. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۱ش). *علوم قرآنی*. ج ۴. قم: التمهید.
- _____ (۱۳۸۲ش). *تاریخ قرآن*. ج ۵. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۷ش). *صحابه از منظر اهل‌البيت علیهم‌السلام*. ج ۱. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- _____ (۱۳۸۸ش). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- _____ (۱۳۹۰). *تفسیر اثری جامع*. ج ۱. قم: مؤسسه النشر التمهید.
- _____ (۱۴۲۳ق). *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*. ج ۱. قم: مؤسسه النشر التمهید.
- _____ (۱۴۲۷ق). *التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء تاریخ قرآن*. ج ۱. تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، المعاونیه الثقافیه، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیه.

- _____ (۱۴۲۸ق). *صيانة القرآن من التحريف*. ج ۱. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- _____ (۱۳۸۳ش). *نسخ در قرآن در تازه‌ترین دیدگاه‌ها*. بیانات، ۱۱ (۴۴)، ۹۹-۱۰۷.
- مصطفوی، ح. (۱۳۶۰ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: نشر کتاب.
- مفید، م. (بی تا). *تصحیح الاعتقادات الامامیه*. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- نجازادگان (محمدی)، ف. (۱۳۸۳ش). *تفسیر تطبیقی*. ج ۱. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- نقیسی، ش. (۱۳۷۹ش). *عقل‌گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نکونام، ج. (۱۳۸۰ش). *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*. ج ۱. تهران: نشر هستی‌نما.
- نوری، ح. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- هندی، ا. (۱۳۳۴ش). *القرآن و هو الهدی والفرقان*. ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. ج ۲. تهران: آفتاب.

References

- Abourieh, M. (1994). *The Lights of Ali Sunnah Al-Muhammadiyah, The Lights of Ali Sunnah Al-Mohammadiyah*. Cairo-Egypt: Dar al-Maarif. (In Persian).
- Alam al-Hadi, M. *Rasaila al-Sharif al-Mortaza*. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. (In Persian).
- Asadabadi, J., Khosrow Shahi, H., & Abdo, M., (1986). *Al-Arwa Al-Waghaki*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization. (In Persian).
- Babaei, A. A. (2012). *Methodology of Qur'an Interpretation*. Tehran: Samit. (In Persian).
- Baidawi, A. (1987). *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tawil*. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi. (In Persian).
- Barqi, A. (1982). *Al-Mahasen*. researcher: J. Muhaddith. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya. (In Persian).
- Daruzeh, M. (2008). *Al-Tafsir al-Hadith, Al-Surah Hasb al-Nuzul*. Tunis: Dar al-Gharb al-Islamiyya. (In Persian).
- Fazil Moqdad, J. (1998). *Kanz al-Irfan Fi Fiqh al-Qur'an*. researcher: M. Ghazi. Bija: World Assembly of Approximation of Islamic Religions. (In Persian).
- Hali, H. (1982). *Al-Ahkam al-Qa`aim fi Marafah al-Halal wa Haram*. researcher: Research Department of the Islamic Publications Office, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Madrasin Society. (In Persian).

- Handi, A., (1955). *Al-Qur'an and Ho Al-Hadi and Al-Furqan*. translated by M. Fakhr Dai Gilani. Aftab Tehran, (In Persian).
- Hosseini, F. (2019). *Crisis of Modernity and Islam*. Tehran: Information. (In Persian).
- Khoshmanesh, A. (2016). Methodology: social interpretation of Quran and Islamic awakening; Good-natured, Abu Al-Fazl; research and field; Vo. 30-31, 129-156. (In Persian).
- Ibn Baboyeh, M. (1989). *Ayoun Akhbar al-Reza*. researcher: M. Lajurdi. Tehran: Jahan Publishing House. (In Persian).
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, M. (1979). *Mutabah al-Qur'an and Varifah*. Qom: Bidar Publications. (In Persian).
- Jurjani, M., (1984). *al-Tarifat*. Beirut: Ibrahim Abiari. (In Persian).
- Kalini, M. (2008). *Kafi* (T-Dar al-Hadith). Qom: Dar al-Hadith. (In Persian).
- Khoie, A. (nd.), *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Institute for Revival of Ayatollah Khoi. (In Persian).
- Kord Karimi, A. & Nasiri, R., Shakeri. A. (2019). The trend of returning to the Qur'an in contemporary Islamic political thought. *Political Studies*. No. 50 (Azad University). (In Persian).
- Makarem Shirazi, N. (1994). *translation of the Quran*. Qom: Department of Islamic History and Education Studies. (In Persian).
- Mamqani, M.R (2016). *Muqbas al-Hudayah fi Alam al-Darayah*. Dalil Ma. (In Persian).
- Marafet, M.H. (2013). Nashq in the Qur'an in the latest perspectives. *Ibnat*, 11 (44), p. 99. (In Persian).
- (2018). *Al-Tamhid fi Ulum al-Qur'an*. Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute. (In Persian).
- (2003). *History of the Qur'an*. Tehran: Samit. (In Persian).
- (2000). *Interpretation in different religions and views of the history of the Qur'an*. Tehran: Al-Majjam Al-Alami for bringing together Islamic schools of thought, Al-Mu'awniyyah, Center for Inquiries and Scientific Studies. (In Persian).
- (2001). *Quranic Sciences*. Qom: Al-Tamhid. (In Persian).
- (1980). *Tafsir va Mafsaran*. Qom: Talmahid Publishing Institute. (In Persian).
- (1984). *The Compatibility of Verses and Surahs*. Qom: Foundation of Islamic Education, Quranic Sciences. (In Persian).
- (1980). *The Incompactibility of the Qur'an*. Tehran: (Samt). (In Persian).

- (2007). *Preservation of the Qur'an Man Tahrif*. Qom: Talmahid Publishing Institute. (In Persian).
- (2019). *Tafsir Ehri Jame*. Qom: Al-Nashar Al-Tamhid Institute. (In Persian).
- (1988). *Companions from the perspective of Ahl al-Bayt (PBUH)*. Qom: Talmahid Publishing Institute. (In Persian).
- (2002), *Sufhat wa Rhadov around the Qur'an Al-Karim*. Qom: Al-Tamhid Institute. (In Persian).
- Mufid, M. (nd.). *Correcting the beliefs of the Imamiyyah*. Qom: The World Conference of Sheikh Al-Mufid. (In Persian).
- Mustafavi, H. (1981). *Research in the words of the Holy Qur'an*. Tehran: Publishing House. (In Persian).
- Nafisi, Sh. (1980). *Happiness, rationalism in interpretations of the 14th century*. Islamic Propaganda Office of Qom Seminary, Publication Center. (In Persian).
- Najarzadegan (Mohammadi), F. (2004). *Tafsir al-Tattavi*. Qom: World Center of Islamic Sciences. (In Persian).
- Nasiri, A. (2017). *Qur'anic Knowledge*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (In Persian).
- Nekonam, J. (2010). *An Introduction to the Dating of the Qur'an*. Tehran: Hasti Nama Publishing House. (In Persian).
- Nekunam, J. (2019). *Research method with an emphasis on Islamic sciences*. Qom: Qom University Press. (In Persian).
- Omid Zanjani, A. (1978). *Basics and Methods of Qur'an Interpretation*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian).
- Qureshi Banabi, A.A. (nd.). *Qur'an Dictionary*. Ahl al-Bayt Maarif Research and Publishing Institute. (In Persian).
- Ragheb al-Isfahani, H. (1981). *al-Mufardat fi al-al-faaz al-Qur'an*. Damascus-Beirut: Dar al-Shamiya-Dar al-Alam. (In Persian).
- Roshan Zamir, M.I. (2018). *The current of Qur'an*. Tehran: Sokhan. (In Persian).
- Safar, M. (1983). *Basa'ir al-Deraj fi Fda'il al-Muhammad*. researcher: M. Kuche Baghi. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library. (In Persian).
- Saleh, S. (2018). *Hadith and Terminology Sciences*. Khorsandi. (In Persian).
- Sharif al-Razi, M. (1993). *Nahj al-Balaghah*. researcher: S. Saleh. Qom: Hijrat. (In Persian).
- Siyuti, J. (1980). *al-Iqqan fi Ulum al-Qur'an*. researcher: F. Zamrali. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Persian).

Tarihi, F. (1986). *Majma Al-Baharin and Tahir Al-Nireen*. Tehran: Al-Mortazawieh School. (In Persian).

Tousi, M. (1993). *Al-Mali*. Researcher: Ba'ath Institute. Qom: Darul Al-Taqwa. (In Persian).

----- (nd.). *al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi. (In Persian).

Zamakhshari, M. (1986). *Al-Kashaf on the facts of Ghwamaz al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (In Persian).

Zarkashi, B. (1979). *Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an*. Researcher: J. Dhahabi. Beirut: Dar al-Marafa. (In Persian).

Zarqani, M. A. (2015). *Manahel al-Irfan fi Ulum al-Qur'an*. translated by Mohsen Armin, Research Institute of Human Sciences. (In Persian).

The Position of Hadith Studies in the Theories of Ulum Quran from the Point of View of Ayatollah Ma'refat

Hossein Sattar

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Kashan University, Kashan, Iran
(responsible author); sattar@kashanu.ac.ir

Mohsen Ghasempour

Professor of Quran and Hadith Department, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran;
m.ghasempour@atu.ac.ir

Elham Jamshidi

Ph.D. student of Ulum Quran and Hadith, Kashan University, Kashan, Iran; e.jamshidi110@yahoo.com

Received: 20/06/2021

Accepted: 30/09/2021

Introduction

Sunnah and Hadith, which is considered to be one of the oldest and most practical sources in Ulum Quran (Quranic sciences), covers a wide range of usage in the works of Mohammad Hadi Ma'refat (1309-1385 AH). If we consider the Quranic sciences as all the knowledge that is in the position of better understanding of the verses of the Quran, this important Quranic scholar has used it in a proper way in his traditional and narrative interpretation, i.e. al-Tafsīr al-Atharī al-Jāmi'. On the one hand, we can see that from the very first era, the traditions are very useful in the field of discovering the concepts of Quranic sciences; And on the other hand, this source has been more or less neglected by scholars of Quranic sciences. The connection of the concepts of Quranic sciences with texts of traditions is more understandable with a broader view of the definition of Quranic sciences. In her theories of Quranic sciences, Ayatollah Ma'raf has actually turned to the serious review and application of hadiths and based them on the centrality of the Qur'an; By analyzing the concepts of Quranic sciences in the acceptable traditions of the Ahl al-Bayt (a.s.) and the Companions, he has developed theories, differentiated and explained these concepts. He starts all Quranic issues from Quran and ends with Hadith and vice versa; This hadith approach can be a terminal chapter in the issue of the place of Sunnah and Hadith from his perspective. In order to explain this issue, the present article is an example of the theories of Batn, gradual abrogation, the revelation of

the Qur'an on the Laylat al-Qadr and the revelation at the time of the Prophethood, the immortality and non-distortion of the Qur'an, tradition of Jary wa taṭbīq etc. has been proposed to show that this Qur'anic scholar's reference to the Hadith is very open and can be extracted.

Method

The present research has analyzed the collection of works of Ayatollah Ma'refat with the descriptive-analytical method and the use of library sources in order to extract the researcher's views on the most important issues of Quranic sciences. The most important finding of this research and in comparison, with other views of scholars shows that his view is more towards the hadith of Ahl al-Bayt (as). According to other words, Ayatollah Ma'refat has paid attention to the topics of Quranic sciences with the idea that he considers the Ahl al-Bayt (as) to be the authority for complete knowledge of Quranic teachings and has examined the position of these topics in his works with such a basis.

He also used the farīqayn's hadiths, so besides the hadiths of the infallible imams (as), therefore, along with the hadiths of the infallible imams, he has also used the authentic traditions of the Sunnis. Considering the emphasis of knowledge on the basis of its theories on Imamiyyah and Sunni traditions, the authors of this article have also paid attention to the hadith collections of farīqayn in their library study.

Results

Traditions in many cases, in the position of presenting on *zawāhir* or texts of the Quranic verses, play a significant role in recognizing or explaining the concepts of the Quranic sciences of Ayatollah Ma'refat; Unlike many Quranic scholars, Ayatollah Ma'refat uses the narrations of the Sunnah of the Holy Prophet (pbuh) and the infallible imams (as) and even the Companions as evidence in the theories of Quranic sciences, especially the topics of revelation, abrogation, similar, etc. As an example, distinguishing between the beginning of the mission and the beginning of the revolution, examining the examples of gradual abrogation (in women beat's verses, prohibition of slavery, prohibition of wine) and the theory of *baṭn* and the non-distortion of the Qur'an, immortality, etc. As one of his interpretative sources, the traditions of the meanings of words and the occasions of revelation, are from companions with special conditions and their followers. In general, Ayatollah Ma'refat considers Sunnah and Hadith to be essential in understanding the Qur'an and believes that there are some things in the Qur'an that cannot be explained except through tradition, such as legislation that is generally stated in the Qur'an, or things like the statement of abrogating from abrogated that the Quran has not mentioned all its dimensions, angles and details, and the intellect does not lead anywhere;

When faced with the concepts of Quranic sciences, he believes in the authenticity of the Quran and the authenticity of accepted traditions, which are adopted with a moderate view after revision from Shia and Sunni sources. The main reason for distinguishing him from other Qur'an scholars is this issue, which leads to the clarification of the link between the Qur'an and hadiths. One of the clear and prominent results of this research is his approximation approach in the investigations of the Quranic sciences, which is a special symbol of it in the book of *al-Tafsīr al-Atharī al-Jāmi'*.

Keywords: Hadith, Ayatollah Ma'refat, Interpretive source, Quranic Sciences.